

دیدگاه اسلام دربارهٔ پرورش اجتماعی

دکتر غلامرضا مدبّر عزیزی

آفریده که هم از در اجتماع بودن ناگزیر است و هم طبعاً بدان متمایل، نیازهای متعدد انسان از جنبه‌های مختلف او را وادار می‌کند که دست همکاری به اجتماع داده و از آنان نیز طلب کمک نماید تا در مجموع همکاری تمامی انسان‌ها نیازهای همه برآورده شود مثلاً یکی برای همه نانوا باشد و دیگری برای همه کشاورز... (نظریهٔ استخدام) که البته این اجبار او بر دست همکاری دادن با دیگران چندان هم مخالف طبع و تمایل باطنی او نیست چرا که انس گرفتن ذاتی انسان است و همسر داشتن عامل سکونت و آرامش روح او و بچه و خانواده و دوست و همراه از اسباب نشاط و انبساط و اطمینان روان او - و اسلام به پیروان خویش با تذکر این واقعیت‌های انکارناپذیر ایمان و اعتقاد آنها را به توجه به اجتماع از همان ابتدا تقویت نموده و از بروز انحرافات در این زمینه جلوگیری می‌نماید.

۴ - چهارمین موضوعی که انسان را با اجتماع بشدت پیوند می‌دهد توجه به هدف از خلقت انسان است، هدف از آفرینش انسان، تقرب هر چه بیشتر به خدای تعالی است و عامل تحقق این امر متخلّق شدن به اخلاق الهی است یعنی موجودیت بخشیدن به صفات کمال در جان خویش، این امر در سایهٔ یک اعتدال همه‌جانبه روحی تحقق می‌پذیرد و انسان متعادل جز در سایه یک جامعهٔ متعادل پرورش نمی‌یابد. به عبارت دیگر اصلاح افراد در گرو اصلاح جامعه است، فرد باید در رهگذر اصلاح جامعه به اصلاح خویش موفق شود و اصلاح جامعه پس از درگیر شدن با مظاهر آن و شناخت تمامی نقاط ضعف و قوت آن میسر می‌شود.

بدین ترتیب در جهان‌بینی اسلامی مهمترین موضوع یعنی فلسفهٔ آفرینش انسان با اجتماع و گرایش بدان و در نتیجهٔ پرورش اجتماعی انسان مسلمان گره می‌خورد.

خویش را مدیون آن واحد حقهٔ حقیقیه معنی ذات مقدس خدای تعالی است. بنابراین اساس هستی بر پیوستگی و خویشاوندی و ارتباط است. باور داشت این نکته، انسان مسلمان را که جزئی از هستی است به این ساحت سوق می‌دهد که با این هماهنگی همه‌جانبه هماهنگ باشد. یعنی همیشه خود را عضوی از یک و در پیوستگی و ارتباط احساس کند و فکر انزواطلبی را بطور ریشه‌ای مغایر با نظام هستی بداند و همیشه درصد هماهنگ نمودن خویش با کائنات و با جامعه باشد.

۲ - در جهان‌بینی اسلامی جهان جلوهٔ خداست کلیهٔ پدیده‌ها و موجودات هستی تجلی و ظهور اسماء و صفات الهی هستند. القای این فکر و نگرش به هستی، انسان مسلمان را شیفته و مُحَبِّ همهٔ اجزاء هستی می‌نماید و با نگاه شیفتگی و اشتیاق با موجودات روبرو می‌شود. انسانی که جویای خدا و مشتاق اوست وقتی که هر یک از موجودات را آئینه‌ای بداند که به قدر وسع و ظرفیت خویش چهرهٔ خدا را در خود منعکس نموده‌اند مخصوصاً «انسان‌ها که شفاف‌ترین آینه‌ها هستند» به همهٔ این آینه‌ها شدیداً مهر خواهد ورزید و ریشهٔ نفرت و فرار و دوری از انسان‌ها بلکه همهٔ موجودات هستی در فکر او خواهد خشکید.

بنابراین اسلام با القای این فکر که «هر دو عالم یک فروغ روی اوست» زمینه‌های عمیق توجه به اجتماع، تمایل به در جمع زیستن، اشتیاق ارتباط برقرار کردن با مردم را در جان فرد فراهم می‌نماید و در این رهگذر است که پرورش بعد اجتماعی او تحقق می‌یابد.

۳ - سومین عاملی که توجه به آن باز پایه‌های توجه به اجتماع را در فکر انسان تقویت می‌نماید التفات به این امر است که خدای تعالی وجود انسان را به گونه‌ای

در باب بررسی و اثبات اهمیت و التفاتی که مکتب حیات بخش اسلام در زمینهٔ پرورش اجتماعی انسان دارد دو گونه امعان نظر و تفحص می‌توان داشت: یکی پیگیری این موضوع در اصول اساسی جهان‌بینی اسلامی یعنی بینش کلی اسلام و دیگر نقش و جایگاه آن در حکمت عملی و ایدئولوژی و دستورات عملی مطرح شده در این مکتب که البته این دو ساحت متأثر از همدیگرند. به عبارت دیگر بینش‌هاست که روش‌ها و نوع آثار معین می‌کند. وقتی که به اصول اساسی تفکر اسلامی می‌نگریم می‌بینیم به طرز بسیار عمیق و بنیادی و ریشه‌داری در بطن آنها توجه به اجتماع و کشاندن فرد مُسَلَّم به صحنهٔ جامعه و در نتیجه پرورش اجتماعی او مورد نظر قرار گرفته است: بطوری که اعتقاد عمیق پیدا کردن به مبانی اصلی اسلام توأم خواهد بود با اجتماعی بارآمدن فرد مسلمان و اجتناب عمیق او از انزوا و تکروی و مردم‌گریزی، مخصوصاً این اصول فکری را با بخشی دستورات عملی خویش امکان بروز و ظهور و تحقق بخشیده و فرد عملاً در متن اجتماع قرار می‌گیرد که ما به این اصول اساسی به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱ - در جهان‌بینی اسلامی هماهنگ با باورهای علوم تجربی، جهان بعنوان یک مجموعهٔ هماهنگ و منسجم معرفی می‌شود. بدین معنی که اجزا و پدیده‌های جهان متفرق و منفرد و گسیخته از همدیگر و بی‌ارتباط با هم نیستند بلکه یک همکاری و پیوستگی و نظم و هماهنگی بسیار دقیق و شگفت‌انگیزی بر عالم حکمفرماست بطوری که یک بوتهٔ کوچک گیاه در یک کویر دورافتاده با خورشیدی که میلیون‌ها کیلومتر با او فاصله دارد در ارتباط و خویشاوندی است. جهان با همهٔ کثرتش وحدتی باشکوه در خود دارد و این وحدت

۵ - اسلام برای تحقق این امر یعنی اصلاح بنیادین جامعه مسئله تشکیل حکومت اسلامی و بدست گرفتن قدرت و نظام اداره جامعه جهت تحقق بخشیدن به اهداف الهی و پرورش یک جامعه اصلاح شده و متعادل را یک فریضه می‌داند. بر تمامی مردم مسلمان یک جامعه واجب است که با طاغوت زمان خویش درافتاده و جامعه خویش را رهایی بخشند، نظامی اسلامی برپا نموده و بعد از تشکیل آن با اداره صحیح و نظارت همه‌جانبه بر کلیه زوایای آن حفظ و بقای آن را ضمانت کنند و این مهم در واقع کشاندن همه‌جانبه مردم به جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی است که رشد و پرورش آنها را در این زمینه فراهم می‌آورد.

اساس هستی بر پیوستگی و خویشاوندی و ارتباط است باور داشت این نکته، انسان مسلمان را که جزئی از هستی است به این ساحت سوق می‌دهد که با این هماهنگی همه‌جانبه هماهنگ باشد.

۶ - اسلام اصل نظارت همگانی یعنی فریضه امر به معروف و نهی از منکر^(۱) را بعنوان تضمین‌کننده حیات واقعی یک جامعه اسلامی مطرح می‌نماید. بر فرد فرد مسلمان یک جامعه واجب است که این فریضه را به پادارند. لازمه به‌پاداشتن آن این است که معروف و منکر را بشناسند مردم را بشناسند طریقه برخورد صحیح و مؤثر را با افراد مختلف بیاموزند و این همه انسان را کاملاً به عرصه اجتماع کشانده و در این رهگذر است که پرورش اجتماعی انسان‌ها تحقق می‌یابد.

۷ - از دیگر عوامل مهم که در اسلام سوق دهنده انسان به اجتماع و تضمین‌کننده پرورش اجتماعی اوست دستورالعمل‌های اخلاقی و تربیتی این مکتب است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:
الف - اصل اعتدال: عمده‌ترین وجه

تمایز نظام تربیتی اسلام که آن را از دیگر نظام‌های تربیتی تک‌ساحتی جدا می‌سازد اصل اعتدال است یعنی پرورش هماهنگ همه ابعاد وجودی انسان و پرهیز از پرورش بی‌رویه یک بعد و فرو گذاشتن بقیه ابعاد. در اسلام پرورش جسم و روح، پرورش جنبه عاطفی، احساسی، عقلانی، فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، علمی، عملی با هم موردنظر است. رعایت این اصل طبعاً انسان مسلمان را از تک روی، انزوا و مردم‌گریزی دور ساخته و با وارد کردن او به صحنه اجتماع موجبات پرورش اجتماعی او را فراهم می‌سازد.

ب - اصل تقوی: تقوی و خودنگهداری از بنیادی‌ترین مبانی اخلاق و تربیت اسلامی است بر خلاف عقیده بعضی از عوام که راه تحقق تقوی را دور بودن از مفاسد و مظاهر دنیا می‌پندارند. تقوای حقیقی در متن اجتماع کسب می‌شود، در انبوه صحنه‌های فشار و وسوسه گناه، وسوسه قدرت و وسوسه زیاده‌خواهی و... می‌توان خصلت خودنگهداری و مصونیت از آلودگی را بتدریج در خویش بوجود آورد. تقوای حقیقی، تقوای درگیر شدن با ماده و آلوده‌نشدن به آن است. نه به قیمت گریز از تمامی صحنه‌های امتحان ظاهراً پاک باقی ماندن، آخرت میوه‌ای است که از درخت دنیا چیده می‌شود، بهشت مقصدی است که راهش از وسط دنیا می‌گذرد نه از کنار دنیا. رهبانیت که در اسلام تحریم شده در همین راستا است. حتی در اسلام گاهی که بطور موردی و مقطعی گوشه‌گیری و عبادت فردی مجاز اعلام شده می‌بینیم از شرایط اعتکاف این است که حتماً در مسجد بزرگ و پر ازدحام شهر باشد و اعتکاف در یک مسجد کوچک دور افتاده جایز نیست.^(۲)

بنابراین انسان مسلمان معتقد هدفش در همه حال کسب تقوا به عنوان بزرگ‌ترین زاد و توشه آخرت است: که به فرموده حضرت علی علیه‌السلام «فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بنندگان خدا در این چندروزه دنیا که مجال باقی است توشه بگیرند و همانا

بهترین توشه کسب تقوا است.) چنین فردی در رهگذر تحقق تقوای حقیقی در زندگی خویش ناگزیر است در تمامی صحنه‌های اجتماع و مسئولیت حضور داشته باشد.

ج - تأکید اسلام بر فریضه مهم حج، تمهیدی مناسب برای تحقق همین هدف است. فرد مسلمان در رهگذر انجام این امر واجب به کنگره‌ای عظیم که متشکل از مسلمانانی از کشورها و ملیت‌های مختلف است درمی‌آید. با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف آشنا می‌شود و احتمالاً دوستانی از سراسر دنیا به دست می‌آورد و باب مراد و پیوند با افراد مختلفی برایش باز می‌شود و برگسترده‌گی ذهن و اندیشه او افزوده می‌شود و پرورش اجتماعی او در سطح گسترده‌ای تحقق می‌یابد.

تأکید و توصیه شدید اسلام بر اقامه نماز به جماعت و ثواب عظیم و غیرقابل تصویری که بر نماز جمعه و جماعت مترتب نموده است عامل مهم پرورش اجتماعی انسان مسلمان است، در آمدن فرد مسلمان به مسجد و انبوه مردم مسلمان، عامل آشنایی او با افراد و انس و پیوند با آنها می‌شود. در نماز جمعه از رهگذر خطبه‌های نماز در بطن مسائل و رویدادها و کمبودها و نیازهای جامعه خویش بلکه احوالات همه دنیا قرار می‌گیرد و این شناخت کمبودها، نیازها و خطرات، مسلمان معتقد را خواه ناخواه به قبول مسئولیت‌ها و اهتمام به امور جامعه می‌کشاند.

ه - تعظیم شعائر الهی: در قرآن کریم تعظیم شعائر الهی نشانه تقوای قلب قلمداد شده است^(۳) که مؤمن باید بدان ملتزم باشد. یکی از مصادیق و معانی تعظیم شعائر الهی این است که هر کجا اجتماعی و مجلس به نام دین و مذهب برپا و برگزار شد انسان متقی خود را موظف می‌داند که در این اجتماع حضور یابد و با شرکت خود بر آبرو و رونق این مجلس و اجتماع که به حساب دین و خدا گذاشته می‌شود بیفزاید. می‌بینیم رعایت همین امر چگونه فرد مسلمان را اجتماعی بار می‌آورد و از خطر فردیت و انزواطلبی می‌رهاند.

و - توصیه اسلام بر خدمت به خلق: مردم دوستی و اهتمام به امور مسلمین و ثواب عظیمی که به اینگونه اعمال مترتب شده از عوامل مهم عملی پرورش اجتماعی انسان است.

حضرت امیرالمؤمنین خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:

اسلام اصل نظارت همگانی یعنی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بعنوان تضمین‌کننده حیات واقعی یک جامعه اسلامی مطرح می‌نماید. آخرت میوه‌ای است که از درخت دنیا چیده می‌شود، بهشت مقصدی است که راهش از وسط دنیا می‌گذرد نه از کناره دنیا.

«در قلب خود مهربانی و محبت و لطف به مردم را زنده و بیدار کن و مبادا که همچون یک درنده، دریدن رعیت را مفتنم‌شماری چرا که رعیت تو یا مسلمانند و برادر دینی تو و یا غیر مسلمانانند اما انسانی مثل تو»^(۴).

و پیامبر اکرم درباره اهتمام به امور مسلمین می‌فرمایند:

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». هر که صبح کند و در اندیشه اصلاح و کمک به امور مسلمین نباشد مسلمان نیست»^(۵).

و در جای دیگر می‌فرماید:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَسْجُدْ لَهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». هر کس صدای کمک‌خواهی مسلمانی را بشنود و به یاری او نشتابد مسلمان نیست»^(۶).

درباره دوستی و یاری و نفع‌رسانی و روحیه خونگرم بودن و پیوند با مردم حضرت علی علیه‌السلام در خطبه معروف همام که صفات یک مؤمن حقیقی است چندین بار این امر را تأکید می‌کنند از جمله در عبارت:

«... مُجَالِسِ لِأَهْلِ الْفَقْرِ مُضَادِقٍ لِأَهْلِ

الْصَّدَقِ مُؤَاوِرٍ لِأَهْلِ الْحَقِّ عَوْدٌ لِلْقَرِيبِ أَبِ لَيْتِيمٍ بَغْلٌ لِلْأَرْمَلِ حَفَىٌّ بِأَهْلِ الْمَسْكَنَةِ مَرْجَةٌ لِكُلِّ كَرِيهٍ مَأْمُولٌ لِكُلِّ شَدَّةٍ هَشَّاشٌ بِشَاشٍ...»^(۷)

(مؤمن) با فقرا هم‌نشین است و با اهل صدق و راستی دوستی برقرار می‌کند، پشتیبان اهل حق و یاور خویشاوندان خویش است. پدر یتیمان، شوهر بیوه‌زنان مهرورز به مستمندان است مردم در گرفتاریها امیدوار به او هستند و در شدائد آرزومند و تکیه‌کننده به اویند و او بسیار خنده‌رو و خوشرو است.

امیر مؤمنان در همین خطبه در فرازی دیگر مؤمن را «وَصُولِي فِي غَيْرِ عُنْفٍ» توصیف می‌کنند یعنی بسیار خونگرم است و اهل معاشرت بدون اینکه برای آنها زحمتی ایجاد کرده باشد.

ز: یکسری توصیه‌های اخلاقی در نظام اخلاقی تربیتی اسلام هست که ریشه‌های منتفردن افراد را از اجتماع می‌خشکاند و نیز دستورالعمل‌هایی که اصولاً کجی‌ها و زشتی‌ها را از اجتماع می‌زداید تا موجبات منتفردن یکفرد از جامعه فراهم نگردد.

آن دسته دستورات که اصولاً فکر بدبینی و نفرت را نسبت به جامعه از افراد می‌گیرد توصیه‌هایی است از قبیل حسن‌ظن داشتن به مردم و سوءظن داشتن به خویش. مؤمن مجاز نیست که گفتار و رفتار دیگران را بد تعبیر کند و با نگاه بدبینی به آنان بنگرد بلکه تا آنجا که ممکن است برای رفتار و اعمال و گفتار مردم محمل خوبی بترشد و بشدت از پسی جوئی عیب دیگران پرهیز نماید. حضرت امیر مؤمنان در خطبه‌ای که ذکرش گذشته در وصف مؤمن می‌فرماید:

«... يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَيَجْمَلُ الذِّكْرَ وَيَحْسِنُ بِالنَّاسِ الظَّنَّ وَيَتَمَّ عَلَى الْعَيْبِ نَفْسَهُ». مؤمن عذر مردم را درباره لغزشهایشان به سادگی می‌پذیرد و از مردم همیشه به نیکی یاد کند و به آنها همیشه حسن‌ظن دارد و جز خودش را به عیب متهم نمی‌کند»^(۸).

و حضرت در جایی دیگر باز در همین زمینه می‌فرماید:

خوشا به حال کسی که اشتغال به عیوب

خود او را از عیب‌های دیگران غافل ساخته است»^(۹).

حضرت امیرالمؤمنین خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:

«در قلب خود مهربانی و محبت و لطف به مردم را زنده و بیدار کن و مبادا که همچون یک درنده، دریدن رعیت را مفتنم‌شماری چرا که رعیت تو یا مسلمانند و برادر دینی تو و یا غیر مسلمانانند اما انسانی مثل تو».

اینگونه دستورالعمل که ریشه بدبینی و عیب‌جویی را در ذهن فرد از بین می‌برد باعث می‌شود فرد نسبت به اجتماع و مردم متنفر و گریزان نباشد و در نتیجه به اجتماع رو آورد و با مردم مخالفت داشته باشد.

و اما دستورالعمل‌های دیگری هم در اخلاق اسلامی ارائه می‌شود که اصولاً اجتماع را از کجی‌ها و بدی‌ها دور می‌کند، تا انگیزه و بهانه‌ای برای منتفردن افراد از جامعه و روی آوردن به عزلت و انزوا فراهم نگردد. بعضی از این دستورات عبارتند از: تحریم شدید دروغ‌گویی، غیبت، تهمت، ظلم و پایمال نمودن حقوق دیگران خودپرستی و تکبر و گردنکشی. حيله و نیرنگ و نفاق و دورویی، خشم و کینه توزی، خُلف وعده و پیمان‌شکنی... رعایت این محرّمات، جامعه را از زشتی‌ها پاک نموده و باعث می‌شود روح انسان بیزار و رویگردان از اجتماع نباشد.

از طرف دیگر بوسیله یک سلسله توصیه‌های دیگر موجبات زیبایی و عطرافشانی جامعه را فراهم می‌سازد فضای زیبا و معطری که روح انسان را به روی آوردن به جامعه و در جمع زیستن تحریک و تشویق می‌نماید. دستورات و توصیه‌هایی از قبیل:

تأکید بر راست‌گویی و صدق، توصیه بر تواضع و فروتنی، سفارش مهربانی و محبت به مردم، تشویق به سخاوت و ایثار، اهمیت

خوشرویی و ملایمت با مردم، وفای به عهد، قدرشناسی، ادب، خیرخواهی نسبت به همه، انفاق، یاری مظلوم و ستم‌دیده، آنچه را برای خود خواستن برای دیگران هم خواستن و آنچه را بر خود روانداندن بر دیگران هم روانداندن، رفق و مدارا و عفو و گذشت نسبت به مردم و ده‌ها مورد دیگر از این قبیل جامعه اسلامی را آنچنان با صفا، دوست‌داشتنی می‌نماید که دلیلی بر گریزان بودن فرد از اجتماع و منزوی و عزلت‌گزین بارآمدن او، نمی‌ماند.

مؤمن مجاز نیست که گفتار و رفتار دیگران را بد تعبیر کند و با نگاه بدبینی به آنان بنگرد بلکه تا آنجا که ممکن است برای رفتار و اعمال و گفتار مردم محمل خوبی بتراشد و بشدت از پی‌جوئی عیب دیگران پرهیز نماید.

کافی است به یک سفارش بسیار ساده در نظام اخلاقی تربیتی اسلام توجه کنیم و بعد ببینیم همین سفارش کوچک تا چه حد در تقویت و پرورش اجتماعی فرد مسلمان می‌تواند مؤثر باشد. و آن مسئله و موضوع سلام است. آیین مقدس اسلام همه افراد مسلمان را به رعایت این امر اکیداً توصیه نموده است. و ادا کردن فرد به سلام کردن به دیگران قدم اول برای اجتماعی شدن اوست. سلام کردن دست دوستی و آشنایی دادن با دیگران است و عادت دادن کودک از ابتدا به این امر، عامل مهمی برای از بین بردن خجالت‌ها و کمرویی‌ها و مردم‌گریزی‌های بی‌مورد و زیان‌آور طفل. حتی برای بزرگترها چه بسیار مشاهده شده که بایک سلام موجبات درآمدن فرد به یک جمع، مقدمات آشنایی‌ها و دوستی‌های همیشگی و پیوندهای بین دو فرد فراهم شده است. احترام به کودکان، بازی و همکاری با آنها تشویق کودک به شرکت در بازی‌های دسته‌جمعی، سفارش به والدین در مورد

بردن کودکانشان به مجالس مذهبی و اجتماعات دینی و نماز جمعه و جماعت، ممانعت شدید اسلام از توهین و تحقیر کودک مخصوصاً در جمع، تماماً پی‌ریزی بنیان پرورش بعد اجتماعی اوست و ایجاد اعتماد به نفس و خوش‌بینی و علاقمندی او به جامعه، بطوری که در بزرگی، انسان در یادلی خواهد بود که در ناب‌ترین لحظات مناجات و اتصال خویش با معبود خود دلش برای درد و غم دیگران می‌تپد و برای آنها دعا می‌کند و رفع گرفتاریها و کمبودهای آنها را از خدای خویش مسئلت می‌نماید.^(۱۰)

بدین ترتیب می‌بینیم آئین مقدس اسلام بعنوان راه و رسمی جامع و کامل برای نیل به سعادت همه‌جانبه انسان همچنانکه در دیگر زمینه بهترین ایده و روش را ارائه نموده است در موضوع مهم پرورش اجتماعی انسان نیز مطمئن‌ترین شیوه را عرضه داشته است، بدین ترتیب که در بخش جهان‌بینی و اصول بنیادین خود تفکر اجتماعی و در جمع زیستن و پرهیز از عزلت‌گزینی را در متن اصول اساسی خویش گنجانده و بعد در بخش اصول عملی و روش‌ها با طرح یک سلسله دستورالعمل‌های اخلاقی و تربیتی عملاً پرورش اجتماعی فرد را محقق نموده است.^(۱۱)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- الذین ان مکناهم فی الارض افاموا الفلوة و انوالزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ولنه عاقبه الامور. (سوره حج، آیه ۴۲).
- ۲- اعتکاف یعنی مقیم شدن در مسجد به قصد عبادت که مستحب است و مدت آن حداقل سه روز و حداکثر ده روز است که فرد از مسجد نباید بیرون برود و روزه‌دار و در حال عبادت باشد اعتکاف باید در مسجد الحرام یا مسجداثنی یا مسجد کوفه یا مسجد بصره و یا حداقل در یک مسجد جامع یک شهر صورت گیرد و اعتکاف در مساجد کوچک جایز نیست. (نقل به اختصار از کتاب آشنایی با علوم اسلامی جلد سوم - اصول فقه - فقه - استاد شهید مرتضی مطهری).
- ۳- و من یعظم شعائرالله فاتها من ثوی القلوب (سوره حج، آیه ۳۲).
- ۴- نهج‌البلاغه عهدنامه ماک اشتر.
- ۵- اصول کافی جلد ۳.
- ۶- اصول کافی، جلد ۳.
- ۷- اصول کافی جلد ۳ باب مؤمن و صفات اول.
- ۸- اصول کافی جلد ۳، باب مؤمن و صفت اول.
- ۹- نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۱.
- ۱۰- توجه دادن به اجتماع و مردم و در نتیجه پرورش اجتماعی انسان در متن عبادات و دعاها حتی آن هنگام که بطور انفرادی برگزار می‌شود وارد شده است. نمازگزار در همان حال که بطور انفرادی نماز می‌خواند اگر ضمناً بصورت مفرد ادا کند نمازش باطل است. حتی در ناب‌ترین لحظات عبادات فردی و نهج‌دش در دل شب باید حالت عرفانی خویش را با یاد اجتماع و مردم گره زند و در قنوت نماز وترش چهل مؤمن را به دعا بادآور باشند. فرجام یک ماه روزداریش را نیز در سپه‌دهم عید فطر با ادا فطره با مردم محروم پیوند می‌زند و بعد هم بطور مستمر با انفاق و زکات در متن توجه به اجتماع، معنویت و تزکیه خویش را محقق می‌سازد.
- ۱۱- ممکن است گفته شود در این مقاله پرورش اجتماعی انسان بطور عموم از دیدگاه اسلام مطرح شده بودند نه بطور خاص پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان، و در جواب می‌گوییم کافی است کودکان و نوجوانان را از ابتدای زندگی‌شان با این تعالیم آشنا کنیم آن صورت پرورش اجتماعی آنان را نیز در این رهگذر به بهترین وجه تحقق بخشیده‌ایم.

رتال جامع علوم انسانی